



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی انواع اجتهاد در فقه اسلامی

نگارنده: عادل شریفی

استاد راهنما: دکتر خسرو نشان

استاد مشاور: دکتر محمدحسین گنجی

تیرماه ۱۳۸۹

چکیده پایان نامه

نام خانوادگی دانشجو: شریفی	نام: عادل
عنوان پایان نامه: بررسی انواع اجتهاد در فقه اسلامی	
استاد راهنما: دکتر خسرو نشان	استاد مشاور: دکتر محمدحسین گنجی
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته و گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی
محل تحصیل: دانشگاه شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۹/۴/۱۴	تعداد صفحات: ۱۵۳ صفحه
کلید واژه: اجتهاد، انسداد، مطلق، متجزی، اجتهاد تخصصی، اجتهاد شورایی .	
<p>چکیده:</p> <p>اجتهاد به عنوان فرآیند استنباط فقهی، امری است که چندی پس از رحلت پیامبر (ص) و در اثر پیدایش مسایل و نیازهای جدید و لزوم پاسخ‌گویی به آنها، به وجود آمد. اجتهاد، هم از لحاظ شکلی و هم از لحاظ معنایی دچار تغییر و تحول گردید. از لحاظ معنایی می‌توان به دو برداشت از اجتهاد، اشاره کرد. در یک تعبیر، اجتهاد، همان رأی و نظر شخصی درباره‌ی مسایلی است که در مورد آنها نصی وجود ندارد؛ اما در تعبیر دوم، اجتهاد مراجعه به منابع فقهی معتبر جهت استنباط احکام شرعی است. وقوع پدیده‌ی انسداد باب اجتهاد در فقه اهل سنت، از تغییراتی است که در شکل و قالب اجتهاد صورت پذیرفته است. وجود قالب‌های اجتهادی، یکی دیگر از مباحث مرتبط با اجتهاد است. قالب‌های اجتهادی شناخته شده در فقه اسلامی، اجتهاد مطلق و اجتهاد متجزی هستند. آن‌چه در دهه‌های اخیر مورد تاکید قرار گرفته، توجه به دو قالب اجتهاد تخصصی و اجتهاد شورایی است. گستردگی مسایل فقهی و عدم توانایی فقیه بر آگاهی از تمام این مسایل، دلیل اصلی دعوت به اجتهاد تخصصی است. داعیان به اجتهاد شورایی نیز استفاده از خرد جمعی و عمل به اصل شورا و مشورت را علت اصلی لزوم چنین اجتهادی می‌دانند. با توجه به فواید و آثار مثبت این دو نوع اجتهاد، می‌توان با تلفیق آنها و تشکیل شوراهای تخصصی اجتهاد، از آثار و منافع هر دو نوع اجتهاد، استفاده نمود.</p>	

فهرست مطالب

عنوان.....صفحه

مقدمه : ۱

فصل اول

- ۱- تعریف اجتهاد ۶
- ۱-۱- تعریف لغوی ۶
- ۲-۱- تعریف اصطلاحی ۶
- ۲- اجتهاد پیامبر (ص) ۹
- ۱-۲- جواز اجتهاد ۹
- ۱-۱-۲- قول به جواز ۹
- ۲-۱-۲- قول به عدم جواز ۱۰
- ۲-۲- وقوع اجتهاد ۱۱
- ۳-۲- وقوع خطا در اجتهاد پیامبر (ص)؟! ۱۳
- ۳- اجتهاد صحابه ۱۵
- ۱-۳- جواز اجتهاد صحابه در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) ۱۶
- ۱-۱-۳- نمونه هایی از اجتهادات صحابه در زمان حیات پیامبر (ص) ۱۷
- ۲-۳- اجتهاد صحابه بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) ۱۹
- ۱-۲-۳- نمونه هایی از اجتهادات صحابه بعد از رحلت پیامبر (ص) ۱۹
- ۴- اجتهاد در زمان تابعین و تابعان تابعین ۲۱
- ۱-۴- علل گرایش به اجتهاد در دوره ی تابعان ۲۲
- ۲-۴- اجتهاد شیعه در دوره ی تابعان ۲۲
- ۱-۲-۴- اجتهاد ائمه (ع) ۲۲

- ۲۳ ۲-۲-۴- اجتهاد پیروان ائمه (ع) ۲۳
- ۲۳ ۱-۲-۲-۴- قول به عدم جواز ۲۳
- ۲۴ ۲-۲-۲-۴- قول به جواز ۲۴
- ۲۷ ۳-۲-۲-۴- سبب اختلاف علمای شیعه در باب اجتهاد ۲۷
- ۲۷ ۵- انسداد باب اجتهاد ۲۷
- ۲۸ ۱-۵- عوامل انسداد باب اجتهاد ۲۸
- ۳۰ ۲-۵- مخالفت با سدّ باب اجتهاد ۳۰
- ۳۲ ۳-۵- انسداد باب اجتهاد در میان شیعه ۳۲
- ۳۲ ۶- اقسام اجتهاد ۳۲
- ۳۴ ۷- نتیجه گیری ۳۴

فصل دوم

- ۳۷ ۱- انواع اجتهاد در میان اهل سنت ۳۷
- ۳۹ ۲- انواع اجتهاد درون مذهبی ۳۹
- ۳۹ ۱-۲- اجتهاد مطلق منتسب یا مطلق غیر مستقل ۳۹
- ۳۹ ۱-۱-۲- اعتبار فتوای مجتهد مطلق منتسب یا غیر مستقل ۳۹
- ۴۰ ۲-۱-۲- شرایط مورد نیاز برای اجتهاد مطلق منتسب ۴۰
- ۴۰ ۳-۱-۲- مجتهدین مطلق منتسب ۴۰
- ۴۰ ۲-۲- اجتهاد فی المذهب ۴۰
- ۴۰ ۱-۲-۲- تعریف اجتهاد فی المذهب ۴۰
- ۴۱ ۲-۲-۲- چگونگی اجتهاد مجتهد فی المذهب ۴۱
- ۴۲ ۳-۲-۲- شرایط اجتهاد فی المذهب ۴۲
- ۴۳ ۴-۲-۲- میزان اعتبار فتوای مجتهد فی المذهب ۴۳
- ۴۴ ۵-۲-۲- مجتهدین فی المذهب ۴۴
- ۴۴ ۳-۲- اجتهاد ترجیحی یا اجتهاد فتوایی ۴۴
- ۴۵ ۴-۲- فقیهان مقلد ۴۵

- ۲-۵- جمع بندی ۴۶
- ۳- سوالاتی پیرامون اجتهاد درون مذهبی ۴۷
- ۴- آیا اجتهاد شیعه، اجتهاد درون مذهبی است؟ ۴۸
- ۵- نتیجه گیری ۵۰

فصل سوم

- ۱- تعریف اجتهاد مطلق ۵۳
- ۲- امکان اجتهاد مطلق ۵۵
- ۲-۱- دلایل قائلان به عدم امکان ۵۶
- ۲-۲- پاسخ قائلان به امکان ۵۷
- ۳- میزان واقع‌نمایی اجتهاد مطلق ۵۸
- ۴- شرایط اجتهاد مطلق ۵۹
- ۴-۱- علوم مورد نیاز برای اجتهاد ۵۹
- ۴-۲- ویژگیهای شخصیتی ۶۱
- ۵- مناصب مجتهد مطلق ۶۲
- ۵-۱- منصب افتا ۶۳
- ۵-۲- منصب قضا ۶۴
- ۵-۳- منصب اجرای حدود الهی ۶۶
- ۵-۴- منصب رسیدگی به امور حسبی ۶۷
- ۵-۵- منصب حکومت ۶۸
- ۵-۵-۱- نظر فقهای شیعه در باب حکومت فقیه ۷۰
- ۵-۵-۲- عقیده‌ی اهل سنت در مورد حکومت فقیه ۷۰
- ۶- نتیجه گیری ۷۲

فصل چهارم

- ۱- تعریف اجتهاد متجزی ۷۵
- ۲- امکان تجزی در اجتهاد ۷۵
 - ۱-۲- قول به امکان ۷۶
 - ۲-۲- دلایل قائلان به امکان ۷۶
 - ۳-۲- قول به عدم امکان ۷۷
 - ۴-۲- دلایل قائلان به عدم امکان ۷۸
- ۳- محدوده‌ی تجزی ۷۹
- ۴- علوم مورد نیاز برای تجزی در اجتهاد ۸۱
- ۵- اعتبار نظر متجزی ۸۲
 - ۱-۵- جواز عمل مجتهد متجزی مطابق با فتوای خود ۸۳
 - ۲-۵- جواز رجوع غیر، به متجزی ۸۴
- ۶- مناصب مجتهد متجزی ۸۶
 - ۱-۶- منصب افتا ۸۶
 - ۲-۶- منصب قضاوت ۸۸
 - ۳-۶- منصب تولی امور حسبی ۸۹
 - ۴-۶- منصب ولایت و حکومت ۹۰
- ۷- رابطه‌ی میان اجتهاد متجزی و اجتهاد تخصصی ۹۰
- ۸- ضرورت اجتهاد تخصصی ۹۱
- ۹- اجتهاد تخصصی و نظریه‌ی وجوب تقلید از اعلم ۹۴
- ۱۰- چگونگی تقسیم ابواب فقهی ۹۵
- ۱۱- مزایا و معایب اجتهاد تخصصی ۹۶

۹۶	۱۱-۱- مزایا.....
۹۶	۱۱-۱-۱- واقع نمایی بیشتر احکام صادر شده.....
۹۷	۱۱-۱-۲- گسترش دامنه‌ی فقه و تولد رشته‌های فقهی جدید.....
۹۷	۱۱-۱-۳- عمل به نظریه‌ی وجوب تقلید از اعلی.....
۹۷	۱۱-۱-۴- همگامی با سایر علوم بشری.....
۹۷	۱۱-۲- معایب تخصصی شدن اجتهاد.....
۹۸	۱۱-۲-۱- سر درگمی مقلدان در امر تقلید.....
۹۹	۱۱-۲-۲- از بین رفتن مرجعیت دینی.....
۹۹	۱۱-۲-۳- چگونگی پرداخت وجوهات شرعی.....
۱۰۰	۱۲- نتیجه‌گیری.....

فصل پنجم

۱۰۳	۱- تعریف شورا و مشورت.....
۱۰۳	۱-۱- تعریف لغوی.....
۱۰۴	۱-۲- تعریف اصطلاحی.....
۱۰۵	۲- اجتهاد شورایی.....
۱۰۷	۳- اهمیت شورا و مشورت.....
۱۰۷	۳-۱- شورا و مشورت در قرآن.....
۱۱۰	۳-۲- شورا و مشورت در روایات.....
۱۱۱	۳-۳- شورا در سنت پیامبر (ص).....
۱۱۲	۳-۴- عمل به شورا در میان خلفا.....
۱۱۴	۳-۵- عمل به شورا در میان فقیهان.....
۱۱۵	۴- ضرورت اجتهاد شورایی.....
۱۱۷	۴-۱- دلایل ضرورت اجتهاد شورایی.....

۱۱۹	۵- شورا و چگونگی تحقق علمیت.....
۱۲۰	۶- چگونگی تشکیل شوراهای اجتهاد.....
۱۲۰	۶-۱- اعضای شورای اجتهاد.....
۱۲۱	۶-۲- عضویت زنان در شورای اجتهاد.....
۱۲۲	۶-۳- تعداد اعضای شورای اجتهاد.....
۱۲۲	۶-۴- چگونگی انتخاب اعضای شورای اجتهاد.....
۱۲۳	۷- محدوده‌ی کار شورای اجتهاد.....
۱۲۵	۸- سطوح شورای اجتهاد.....
۱۲۶	۹- کیفیت اتخاذ تصمیم در شورای اجتهاد.....
۱۲۷	۱۰- رابطه‌ی اجماع و شورای اجتهاد.....
۱۲۹	۱۱- رابطه‌ی شورای اجتهاد با ولی فقیه.....
۱۳۰	۱۲- شوراهای تخصصی اجتهاد.....
۱۳۱	۱۳- مزایا و اشکالات اجتهاد شورایی.....
۱۳۱	۱۳-۱- مزایا.....
۱۳۱	الف- استفاده از خرد جمعی.....
۱۳۱	ب- صدور احکام علمی و مورد اطمینان.....
۱۳۲	ج- از بین رفتن اختلافات فتوایی.....
۱۳۲	د- تحقق علمیت.....
۱۳۲	هـ- امکان حضور زنان فقیه در شورای اجتهاد.....
۱۳۳	۱۳-۲- معایب.....
۱۳۴	۱۴- نتیجه‌گیری.....
۱۳۸	نتایج.....

۱۴۲ کتابنامه

۱۵۳ چکیده‌ی انگلیسی

مقدمه :

از آنجا که انسان زندگی اجتماعی را به عنوان بهترین شیوهی زندگی برگزیده است، ناچار است همواره با همنوگان خود در ارتباط و داد و ستد باشد. این روابط و داد و ستدها نیازمند قواعد و مقرراتی است که بتواند از یک سو از تجاوز انسان‌ها به حقوق یکدیگر جلوگیری نموده و از سوی دیگر بهترین شیوهی تعامل اجتماعی را فراهم سازد.

جوامع مختلف بشری نظام‌های حقوقی متفاوتی را برای این منظور پایه‌گذاری کرده‌اند. جامعه‌ی اسلامی نیز به عنوان بخشی از جامعه‌ی بشری، نیازمند چنین نظام حقوقی می‌باشد. شاید نیاز جامعه‌ی اسلامی به یک نظام حقوقی جهت وضع قوانین، بیشتر از سایر جوامع باشد؛ زیرا این جامعه علاوه بر روابط انسان‌ها با یکدیگر، معتقد به رابطه‌ی انسان با خدا بوده و برای انسان وظایفی را در برابر خداوند لازم دانسته که رسیدن جامعه به سعادت جز از طریق این اعمال میسر نمی‌گردد.

در اسلام، منبع اصلی قوانین، قرآن و سنت پیامبر (ص) است که مسلمانان با مراجعه به قرآن و سنت پیامبر (ص)، قوانین و احکام مورد نیاز خود را استخراج می‌کنند و مطابق یا آنها عمل می‌نمایند. این شیوه در زمان حضور پیامبر (ص) و چندی بعد از رحلت ایشان (ص) شیوه-ای مناسب بود؛ زیرا از طرفی محدوده‌ی مسائل و مشکلات پیش‌آمده گسترده نبود و از طرفی دیگر با وجود رسول خدا (ص) که خود عالم به تمام قوانین موجود در قرآن بود، در جامعه هیچ سوالی بدون پاسخ نمی‌ماند و همه‌ی ابهامات و اشکالات توسط پیامبر (ص) مرتفع می‌گردید. اما با رحلت ایشان (ص) و عدم دسترسی به منبع علم الهی هم‌چنین گسترش جامعه‌ی اسلامی و تنوع مسائل و مشکلات جدید، این شیوه نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی اسلامی باشد. لذا جامعه‌ی اسلامی از یک سو نیازمند قوانین جدید و مطابق با شرایط و مقتضیات زمان بود و از سوی دیگر خواستار عمل مطابق با قانون الهی بود. در چنین شرایطی علمای اسلامی در پی ایجاد

یک نظام حقوقی جهت وضع قوانین جدید مطابق با قانون الهی (قرآن) و سنت پیامبر (ص) برآمدند. عمل بر طبق قواعد و روش‌های مقرر در این نظام، در فرهنگ اسلامی به اجتهاد معروف گردید.

مطالعه‌ی این نظام حقوقی به عنوان یک نیاز اساسی جهت وضع قوانین متناسب با شرایط زمانی و مکانی و همگام شدن با تحولات جهانی، امری لازم و ضروری است. از آنجا که اسلام به عنوان کامل‌ترین دین از سوی خدا برای بشر فرستاده شده است، پس توانایی رفع مشکلات فراروی بشر و انطباق با شرایط متغیر زمانی را دارا است. این رسالت علمای اسلام است که قواعد و اصول این دین را کشف نموده و مطابق با این قواعد و اصول، قوانین مورد نیاز بشر را وضع نمایند. از طریق اجتهاد هم می‌توان قوانین مورد نیاز بشریت را ارائه نمود و هم از انزوای دین به عنوان مکتبی که توانایی پاسخگویی به نیازهای زمان و اداره‌ی جامعه را دارا نیست، جلوگیری نمود.

با مطالعه‌ی سیر تحول اجتهاد، می‌توان گفت که اجتهاد از زمان پیدایش تاکنون، با تأثر از عناصر زمان و مکان، دستخوش تغییر و تحولاتی گردیده که گاه به پیشرفت فقه و گاه به رکود آن انجامیده است. این تحولات، گاهی در مفهوم اجتهاد بوده است. برخی آن را به رای و نظر شخصی تعبیر کرده و برخی دیگر اجتهاد را استنباط احکام شرعی از منابع معتبر فقهی دانسته‌اند. گاهی دیگر، تغییر، در سیر تکاملی اجتهاد بوده است؛ به گونه‌ای که در مقطعی از زمان، شاهد وقوع پدیده‌ای به نام انسداد باب اجتهاد در فقه اهل سنت هستیم. اجتهادی که یک زمان، بهترین راه رسیدن به حکم الهی بود، در برهه‌ای دیگر به عنوان عاملی برای از بین رفتن احکام الهی به آن نگرسته می‌شود و تصمیم به مهار این حرکت و سد باب اجتهاد گرفته می‌شود.

زمان پیدایش اجتهاد در میان دو گرایش عقیدتی اسلامی مهم، یعنی شیعه و اهل سنت، نیز متفاوت است. در حالی که اهل سنت بعد از رحلت پیامبر (ص) به علت عدم دسترسی به منبع علم الهی، نیاز به اجتهاد را احساس کردند، شیعه به علت وجود امامان معصوم (ع) و مراجعه به

آنان برای دریافت احکام الهی، کمتر به اجتهاد نیاز داشتند و به همین خاطر، پیدایش اجتهاد در میان شیعه، بعد از زمان غیبت به نحو بارزتری نمود پیدا کرد.

تغییر و تحولات در زمینه‌ی اجتهاد به این حد محدود نشد و به مراتب و درجات مجتهدین نیز سرایت نمود. وقوع پدیده‌ی انسداد در میان اهل سنت، یک تقسیم‌بندی تحت عنوان اجتهاد مستقل و اجتهاد منتسب یا مقید را ایجاد کرد که در این تحقیق از اجتهاد منتسب با نام اجتهاد درون مذهبی نام برده می‌شود. بالطبع چنین تقسیم‌بندی در میان شیعه به علت عدم وقوع پدیده‌ی انسداد، وجود ندارد. همچنین با توجه به میزان توانایی مجتهد در پاسخگویی به مسایل فقهی، یک نوع تقسیم‌بندی دیگری تحت عنوان اجتهاد مطلق و متجزی صورت گرفت. در زمان معاصر، بحث در مورد تجزی اجتهاد از یک بحث نظری صرف در مورد امکان یا عدم امکان، به یک ضرورت تبدیل گردید و در مجامع فقهی مبحثی تحت عنوان لزوم تخصصی شدن اجتهاد مطرح شد.

تمام این تغییر و تحولات در حوزه‌ی اجتهاد فردی بود. تحول دیگری که در زمینه‌ی اجتهاد به وقوع پیوست و بسیاری از اندیشمندان، دعوت به آن را شعار خود ساخته‌اند، لزوم تحقق اجتهاد شورایی است. به این معنا که گروهی از فقهای اسلامی با بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات فقهی و به خصوص مسایل مورد اختلاف، به یک تصمیم واحد رسیده و آن را به عنوان حکم فقهی مورد اتفاق، به مسلمانان اعلام نمایند.

مطالعه‌ی هر یک از این انواع و بررسی جوانب مختلف آن، هدفی است که این تحقیق به دنبال تحقق آن است. برای رسیدن به این هدف، این مطالعه در پنج فصل تدوین گردید.

در **فصل اول** که تحت عنوان کلیات است، تاریخچه‌ی پیدایش اجتهاد در فقه اسلامی و دلایل و ضرورت‌های پیدایش آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در **فصل دوم**، اجتهاد درون مذهبی که در اثر وقوع پدیده‌ی انسداد در میان اهل سنت ایجاد شده است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

فصل سوم اجتهاد مطلق به معنای توانایی مجتهد در استنباط احکام شرعی در تمامی ابواب فقه، مورد بررسی واقع می‌شود.

در **فصل چهارم** به بررسی اجتهاد متجزی یا اجتهاد تخصصی و ضرورت تحقق چنین اجتهادی پرداخته می‌شود.

و بالاخره در **فصل پنجم**، اجتهاد شورایی، حوزه‌ی فعالیت شورای اجتهاد، سطوح شوراهای اجتهاد و دلایل ضرورت چنین اجتهادی به بحث گذاشته می‌شود.

فصل اول

کلیات

۱- تعریف اجتهاد

۲- اجتهاد پیامبر (ص)

۳- اجتهاد صحابه

۴- اجتهاد در زمان تابعین و تابعان تابعین

۵- انسداد باب اجتهاد

۶- اقسام اجتهاد

۷- نتیجه گیری

۱- تعریف اجتهاد

۱-۱- تعریف لغوی

اجتهاد از ریشه‌ی جهد به فتح یا ضم جیم است و به معنای تلاش همراه با مشقت و سختی است. اجتهاد در لغت به معنای به‌کارگیری حداکثر جهد است.^۱ همچنین اجتهاد را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «به‌کارگیری توان در تحصیل امری است که مستلزم سختی و مشقت باشد^۲ و به این خاطر است که گفته می‌شود: «اجتهاد فی حمل الحجر» در بلند کردن سنگ تلاش کرد. ولی گفته نمی‌شود: «اجتهاد فی حمل الخردلة» در بلند کردن خردل تلاش کرد.

۱-۲- تعریف اصطلاحی

در مورد معنای اصطلاحی اجتهاد باید گفت که در میان علمای اصول، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. از دقت در این تعاریف معلوم می‌گردد که بر ملاک‌های متفاوتی تاکید شده است. اکنون به نقل چند تعریف می‌پردازیم.

۱- علامه حلی اجتهاد را این‌گونه تعریف کرده است: «الاجتهاد هو استفراغ الوسع فی النظر فیما هو من المسائل الشرعية علی وجه لا زیادة فیه».^۳ اجتهاد عبارت است از به‌کارگیری حداکثر توان در بررسی مسائل ظنی شرعی به نحوی است که فرد بیشتر از آن توانایی نداشته باشد.

۱) فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده‌ی جهد.

۲) پطرس بستانی، محیط المحيط، ذیل ماده‌ی جهد.

۳) جمال الدین ابو منصور حلی (علامه حلی)، مبادئ الوصول الی علم الاصول، چاپ سوم، مکتب الاعلام الاسلامی، قم،

۲- آمدی این تعریف را برای اجتهاد برگزیده است: «استفراغ الوسع فی طلب الظن بشیء من الاحکام الشرعية علی وجه يحس من النفس العجز من المزيد منه»^۱ اجتهاد، به کارگیری نهایت تلاش در رسیدن به ظن نسبت به بخشی از احکام شرعی است به نحوی که شخص از بیش از آن احساس ناتوانی کند.

۳- تعریف غزالی برای اجتهاد این گونه است: «الاجتهاد مخصوص ببذل المجتهد وسعه فی طلب العلم بالاحکام الشرعية»^۲ اجتهاد اختصاص دارد به اینکه مجتهد حداکثر توان خود را در کسب علم نسبت به احکام شرعی به کار گیرد.

۴- شیخ بهایی اجتهاد را اینگونه تعریف کرده است: «ملکة یقتدر بها علی استنباط الحکم الشرعی الفرعی من الاصل فعلا او قوة قریبة»^۳ اجتهاد ملکه‌ای است که با آن می‌توان بالفعل یا بالقوه حکم فرعی شرعی را از اصل، استنباط کرد.

۵- در تعریف شوکانی از اجتهاد آمده است: «بذل الوسع فی نیل حکم شرعی عملی بطریق الاستنباط»^۴ اجتهاد به کارگیری توان در رسیدن به حکم شرعی است از طریق استنباط.

۶- شافعی اجتهاد را مترادف قیاس دانسته و می‌گوید: «اسمان لمعنی واحد»^۵ اجتهاد و قیاس دو اسم‌اند برای یک معنای واحد.

۱) علی بن محمد آمدی، الاحکام فی اصول الاحکام، تحقیق سید الجمیلی، ۴ جلد، چاپ اول، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۰۴ هـ. ق، ج ۴، ص ۱۶۹.

۲) ابی حامد محمد بن محمد غزالی، المستصفی من علم الاصول، تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ هـ. ق. ص ۳۴۲.

۳) محمد کاظم خراسانی [آخوند خراسانی]، کفایة الاصول، مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث، بی تا، بی جا، ص ۴۶۳.

۴) محمد بن علی شوکانی، ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من الاصول، تحقیق احمد عزو عنایة، ۲ جلد، چاپ اول، دارالکتب العربی، ۱۴۱۹ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۰۵.

۵) محمد بن ادريس شافعی، الرسالة، تحقیق احمد محمد شاکر، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا، ص ۴۷۷.

۷- ابوبکر رازی چندین معنا برای اجتهاد عنوان کرده است که یکی از آنها این تعریف است: «**احدها القیاس الشرعی**»^۱ یکی از معانی اجتهاد، قیاس شرعی است.

در تعریف اول و دوم، تحصیل ظن نسبت به احکام شرعی، ملاک قرار داده شده است در حالی که در تعریف سوم رسیدن به علم مد نظر قرار گرفته است. در تعریف چهارم بر ملکه بودن اجتهاد و استنباط احکام شرعی از اصل (قرآن و سنت) تاکید شده است. در تعریف پنجم رسیدن به حکم شرعی از طریق رای و استنباط شخصی، شاخصه‌ی اصلی اجتهاد است و بالاخره در تعاریف ششم و هفتم اجتهاد را همان قیاس دانسته اند. با بررسی این تعاریف می‌توان دو معنا برای اجتهاد عنوان کرد:

الف- معنای عام اجتهاد: اجتهاد در این معنا، فرآیند استنباط حکم شرعی از منابع معتبر شرعی می‌باشد که تعاریف اول تا چهارم به این معنا اشاره دارد.

ب- معنای خاص اجتهاد: اجتهاد در این معنا، فرآیند استنباط حکم شرعی از طریق رأی شخصی و قیاس در جایی است که در قرآن و سنت در مورد مساله‌ی مورد نظر حکمی بیان نشده باشد.

علت پیدایش این معانی را باید در سیر تحول معنای اجتهاد جستجو کرد. وقتی به تاریخچه‌ی اجتهاد، نظری می‌افکنیم می‌بینیم که این اصطلاح ابتدا در میان فقیهان اهل سنت بکار گرفته شد. اجتهاد در میان آنان به این معنا بود که «اگر فقهی برای استنباط حکم شرعی، نصی در کتاب یا سنت که بر این مساله دلالت کند نیابد، به جای نص به اجتهاد و رأی شخصی خود رجوع خواهد کرد.»^۲ بنابراین اولین معنای مصطلح اجتهاد همان معنای خاص یعنی رجوع به رای و تفکر شخصی در زمان فقدان نص می‌باشد. اجتهاد در این معنا به عنوان دلیلی از ادله‌ی فقه در

(۱) محمد بن علی شوکانی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۶.

(۲) محمد باقر صدر، *دروس فی علم الاصول*، ۳جلد، چاپ دوم، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ۱۴۰۶هـ. ق، ج ۱، ص ۴۶.

کنار سایر ادله (کتاب و سنت) قرار گرفت و مکاتب زیادی از اهل سنت که در راس آنان ابوحنیفه بود،^۱ بر این تلقی از اجتهاد پایه‌گذاری شد؛ اما همان‌گونه که در تعاریف مشاهده گردید، به تدریج این اصطلاح بر هر گونه استنباط حکم شرعی - چه از راه منابع اصلی (قرآن و سنت) و چه از راه رأی و تفکر شخصی - اطلاق شد.

۲- اجتهاد پیامبر (ص)

۲-۱- جواز اجتهاد

یکی از مسائلی که در مجامع علمی اهل سنت و شیعه مورد بحث قرار گرفته، این است که آیا اصولاً پیامبر اسلام (ص) از راه اجتهاد و از طریق به‌کارگیری رأی و نظر و برداشت شخصی خود حکمی را بیان داشته است یا خیر؟ البته این موضوع مسلم است که پیامبر (ص) به طور مستقیم، احکام و قوانینی را از طریق وحی دریافت کرده است و بدون هیچ اعمال نظر و کم‌ترین تغییر آنها را به مردم ابلاغ کرده است؛ اما آنچه مورد سوال است، موردی است که حکمی از طریق وحی وجود نداشته است.

در باره‌ی جواز یا عدم جواز اجتهاد از سوی پیامبر (ص) دو قول عمده وجود دارد:

۲-۱-۱- قول به جواز

قول اول که به جواز عقیده دارد، قول جمهور علمای اهل سنت می‌باشد. غزالی اجتهاد را در حق پیامبر (ص) جایز می‌داند به این دلیل که اجتهاد به ذات خود در حق پیامبر (ص) نه محال است و

نه به محال و مفسده می انجامد.^۱ آمدی نیز آن را عقلا جایز دانسته و برخی دلایل قول به جواز را این گونه بیان می کند:^۲

الف- آیهی «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»^۳ به این بیان که در این آیه امر به اعتبار برای عموم اهل بصیرت است و پیامبر (ص) بصیرترین فرد است پس داخل در عموم این آیه است.

ب- آیهی «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»^۴ این آیه به پیامبر (ص) دستور می دهد که مطابق با آنچه که به وی تعلیم داده شده است، میان مردم حکم نماید و آنچه که خداوند به پیامبر (ص) تعلیم داده، هم شامل حکم مطابق نص و هم شامل حکم از طریق اجتهاد در جایی است که نصی وجود ندارد.

ج- عمل به اجتهاد سخت تر از عمل بر اساس ظهور نص است و سختی عمل، موجب زیادی ثواب است؛ زیرا پیامبر (ص) فرموده است: «افضل العبادات احمزها» بارزش ترین عبادتها، سخت ترین آنهاست. در این صورت اگر پیامبر اکرم (ص) با وجود عمل امتش به اجتهاد، اجتهاد ننماید، لازم می آید که امت پیامبر (ص) فضیلتی را دارا باشند که پیامبر (ص) فاقد آن است و این قول ممتنع است زیرا هیچ یک از امت پیامبر (ص) در هیچ چیزی بهتر از پیامبر (ص) نیستند.

۲-۱-۲- قول به عدم جواز

قول دوم قول به عدم جواز است. این قول نظر برخی از علمای اهل سنت و اکثر علمای شیعه است. ابن حزم کسانى را که قائل به جواز اجتهاد پیامبر (ص) هستند، کافر می داند.^۵ شیخ طوسی

۱) ابو حامد محمد بن محمد غزالی، پیشین، ص ۲۸۹.

۲) علی بن محمد الآمدی، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۵.

۳) حشر، ۲.

۴) نساء، ۱۵.

۵) علی بن احمد بن حزم اندلسی، الاحکام فی اصول الاحکام، ۸ جلد، چاپ اول، دارالحدیث، قاهره، ۱۴۰۴ ه.ق، جلد ۵، ص ۱۲۳.

می‌فرماید: «از آنجا که مطابق اصول شیعه قیاس و اجتهاد، باطل است، پس نه برای پیامبر (ص) و نه برای امت او جایز نیست».^۱ علامه حلی نیز اجتهاد را در حق پیامبر (ص) جایز نمی‌داند و دلایل زیر را برای این نظر بیان می‌نماید:^۲

الف- آیهی «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۳ «و پیامبر از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید این سخنان چیزی جز وحی نیست» این آیات بر این مطلب دلالت دارد که هرچه پیامبر (ص) می‌فرماید، نشأت گرفته از وحی است.

ب- اجتهاد، افاده‌ی ظن می‌کند در صورتی که پیامبر (ص) می‌تواند علم را از طریق وحی دریافت نماید.

ج- پیامبر (ص) در بسیاری از موارد منتظر وحی می‌ماند در حالی که اگر اجتهاد برای ایشان جایز بود، لازم نبود منتظر وحی بماند.

د- در اجتهاد هم احتمال خطا وجود دارد و هم احتمال صواب؛ بنابراین تعبد به قول پیامبر (ص) جایز نمی‌شود زیرا احتمال خطا، اطمینان به سخنان ایشان را از بین می‌برد.

۲-۲- وقوع اجتهاد

گروهی که قائل به جواز اجتهاد از سوی پیامبر (ص) هستند، در مورد وقوع یا عدم وقوع اجتهاد از سوی ایشان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) ابو جعفر محمد بن الحسن طوسی (شیخ طوسی)، *عدة الاصول*، تحقیق محمد مهدی نجف، ۳ جلد، موسسه آل البیت، بی‌جا، ۱۰۸۹ ه.ق، ج ۳، ص ۱۱۶.

(۲) علامه حلی، پیشین، ص ۲۴۰.

(۳) نجم، ۴۳.